

نقش بحران‌های اقتصادی در زوال پشتوانه مردمی نهضت‌های متعالی (با تأکید بر تجارب تاریخ معاصر ایران)

سیدحسین علیان‌سب^۱

صمد بهروز^۲

عمران عباسپور^۳

چکیده

هدف این نوشتار بررسی رابطه نیازهای معیشتی و ضعف اقتصادی مردم با شکست نهضت‌های متعالی است که به طور مکرر در تاریخ معاصر ایران اتفاق افتاده است. به همین منظور پژوهش حاضر تحولات سیاسی مهم ایران و حضور مردم در ایجاد نهضت‌ها و عرصه‌های مهم سیاسی، فرهنگی و اجتماعی معاصر را مورد مطالعه قرار داده و با شواهد تاریخی این فرضیه را تقویت می‌کند که دشمنان برای شکست جنبش‌های ضد استعماری مردم ایران و تداوم استعمارشان، پیوسته به ایجاد بحران‌های اقتصادی دامن زده و با فشارهای اقتصادی توجه انقلابی‌ها را از مسائل مهم اجتماعی و سیاسی به نیازهای شدید اقتصادی معطوف داشته و تحول خواهی ایرانیان را به شکست کشانده‌اند. با توجه به تداوم همین سیاست استعماری علیه انقلاب اسلامی، این پژوهش راهکار مقابله با آن را توانمندسازی اقتصادی جمهوری اسلامی معرفی کرده و آن را یک مجاهدت و تلاش ارزشمند انقلابی می‌داند که برای نیل به اهداف و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ضروری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، نهضت‌های معاصر، پشتوانه مردمی، بحران اقتصادی، اقتصاد مقاومتی

^۱. استادیار دانشکده الهیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز، گروه معارف اسلامی (۰۹۱۴۱۰۲۸۰۵۷)؛ psy_olya@yahoo.com

^۲. استادیار دانشکده الهیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز، گروه معارف اسلامی؛ sa_behrouz@yahoo.com

^۳. استادیار دانشکده الهیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز، گ اسلامی؛ e.abbaspur@gmail.com

مقدمه و بیان مساله

توانمندی اقتصادی و توانایی تأمین معیشت مردم موضوعی است که مورد توجه جدی خداوند قرار گرفته است و خداوند در عبارت قرآنی «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ؛ و قطعاً شما را در زمین قدرت عمل دادیم و برای شما در آن وسایل معیشت نهادیم» (قصص، ۱۰) تأمین معیشت و رفاه مادی انسان را با صراحت به خود نسبت داده است. در همین راستا دین مبین اسلام دولت‌های اسلامی را موظف کرده است تا از معیشت مردم محافظت کرده و سطح زندگی مناسبی را برای تمام افراد جامعه فراهم کند به گونه‌ای که افراد جامعه و خانواده‌ها متناسب با شرایط و مقتضیات روز بدون سختی و ناراحتی زندگی کنند (صدر: ۱۴۱۷: ۶۶۲).

خداوند نسبت به پیامدها و اثر گذاری ضعف اقتصادی بر فروپاشی سیاسی و اجتماعی جامعه هم توجه کرده و اموال را به منزله خون در عروق پیکره جامعه و ثروت یک مملکت را به منزله ستون فقرات آن دانسته است که مهمترین شرط برای قدرت قیام و مقاومت است (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۳۱/۱). بر همین اساس امام خمینی (ره) نیز نسبت به تبعات هر گونه ضعف اقتصادی هشدار داده و بر خلاف اسلام بودن وابستگی به بیگانگان در صنعت، زراعت، اقتصاد و تصریح کرده است (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۵۱/۱۰). شهید بهشتی نیز با توجه به این که توانمندی اقتصادی جمهوری اسلامی را زمینه ساز دستیابی به اهداف معنوی و متعالی انقلاب می‌دانست تصریح کرد که اگر تمام وابستگی‌های مان به سران استبداد و ظلم جهانی را از بین نبریم در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی انقلاب هم ناکام خواهیم شد (بهشتی، بی‌تا: ۳۱). رهبر معظم انقلاب نیز به امکان سوء استفاده دشمنان از نیازها، کمبودها و اختلال‌های اقتصادی کشور اشاره کرده و به نقش دشمنان در تخریب اقتصاد با هدف جداسازی مردم از نظام اسلامی تصریح کرده اند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۶/۳۰).

با توجه به هشدارهای رهبران و نخبگان انقلاب اسلامی نسبت به آسیب‌های حاصل از ضعف اقتصادی این سوال ایجاد می‌شود که تأکید بر توانمندی اقتصادی جمهوری اسلامی علاوه بر اینکه ریشه در تعالیم دینی دارد چگونه از پشتوانه تاریخی و تجربی نیز بهره می‌برد؟ پژوهش حاضر در راستای پاسخ بدین سوال سعی می‌کند با بهره

گیری از منابع تاریخی و به شیوه توصیفی - تحلیلی رفتارهای اقتصادی دشمنان انقلاب اسلامی در تاریخ معاصر را بررسی کرده و پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن در ایران را تبیین کند.

لازم به ذکر است اغلب مطالعات مرتبط با بحث حاضر در چارچوب مباحث اقتصاد مقاومتی انجام گرفته است ولی تاکنون در این زمینه پژوهشی که به طور مستقل به تجارب اقتصادی تاریخ معاصر بپردازد انجام نگرفته است، به همین دلیل در این پژوهش از منابع عمومی تاریخ معاصر بهره گرفته می شود.

پیامدهای ضعف اقتصادی ایران در تاریخ معاصر

تاریخ معاصر ایران مملو از تجاربی است که نشان می دهد استعمارگران از ضعف اقتصادی ایران بهره برده و برای استیلای سیاسی خود پیوسته در صدد تضعیف و متلاشی کردن آن برآمده اند. این گونه تلاش های دشمنان اگر چه به زمان خاصی محدود نبوده است ولی در بخشی از تاریخ معاصر که تحولات سیاسی و جنبش های مردمی در ایران شکل گرفته است تخریب و تضعیف اقتصاد ایران نیز با شدت بیشتری اتفاق افتاده است که به منظور جلوگیری از حرکت های انقلابی مردم و پیشگیری از تحولات مثبت در کشور بوده است. با توجه به این که عمده این تحولات از اواسط دوره قاجار اتفاق افتاده است تلاش های دشمنان برای تضعیف اقتصادی ایران در دوره های قاجار و پهلوی بررسی می شود؛

تأثیر ضعف اقتصادی بر جنبش های ضد استعماری دوران قاجار

مهمترین منازعات سیاسی دوران قاجار، اختلافات درباریان در موضوع جانشینی شاه بود، اما از دوران ناصرالدین شاه، شورش ها و جنگ های محلی افزایش یافت که ابتدا با اهداف محدودی همانند نارضایتی و نفرت از مقام های محلی و حکام، استنکاف از پرداخت مالیات، اعتراض به گرانی نان و.... و در محدوده جغرافیایی مشخص انجام می گرفت ولی به تدریج دامنه و اهداف مبارزات مردم وسعت یافت (جان فوران، ۱۳۷۸: ۲۳۹).

نهضت تنباکو اولین حرکت سراسری و قدرتمند مردم ایران بود که همه اقشار را متحد کرده و با تمرکز بر یک هدف ضد استعماری به نتیجه رسید و موازنه قدرت را بر ضد انگلستان تغییر داد. ایرانیان در گام بعدی به دنبال ساماندهی امور کشورداری بودند که با مطالبه عدالتخانه آغاز کردند؛ جنبش عدالتخانه که بعدها با عنوان مشروطه شناخته شد سرآغاز تحولات فکری و اجتماعی بسیاری در ایران شده بود و نوید بخش آینده‌ای روشن بود؛ از یک سو جنبش‌های اجتماعی زنان شکل گرفت؛ تاسیس «مکتب زن آزادی‌خواه»، «انجمن حریت نسوان»، «جمعیت نسوان وطنخواه»، «جمعیت پیک سعادت» و ... بخشی از این تحرکات بود که اغلب با هدف ارتقای شأن و منزلت علمی، اجتماعی و سیاسی زن ایرانی و گاهی با اهداف فمینیستی انجام گرفت (مرکز مالگیری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۶ تا ۱۲۹)، از سوی دیگر اقدامات اقتصادی و سیاسی ضد استعماری همانند تلاش برای کنترل استقراض‌های خارجی دولت، ضرورت رسیدگی به امتیازهای اعطا شده به خارجی‌ها همانند امتیاز نفت، شیلات، بانک شاهنشاهی و ... متوقف کردن فروش امتیازات توسط ایرانی‌ها به خارجی‌ها و وضع مقررات برای قزاقخانه‌ها و ... نویدبخش تحولات مثبت در عرصه سیاسی بود (احمدی و منشادی، ۱۳۸۷: ۵۲). در عرصه فرهنگی نیز روزنامه‌های ایرانی رشد پرشتابی را تجربه کردند؛ «کاغذ اخبار»، «وقایع اتفاقیه»، «شرف»، «شرافت»، «تربیت»، «ادب»، «عروة الوثقی»، «اختر»، «قانون»، «جبل‌المتین»، «حکمت» و «ثریا» از مشهورترین روزنامه‌های فارسی زبان بودند که در کنار کتاب‌ها و سفرنامه‌های تاثیرگذار، تحول فکری بسیار گسترده‌ای را برای جامعه ایرانی نوید می‌دادند (ذاکرحسین، ۱۳۹۵: ۴۰ الی ۴۴). در سراسر کشور و در اغلب شهرهای تاثیرگذار ایران هم نهادها، انجمن‌های مدنی و مردم نهاد، قیام‌ها و مبارزات مردمی متعدد را شکل داده و با روش‌های گوناگون حضور و دخالت بیگانگان در امور ایران را به چالش می‌کشیدند. همه این اتفاقات حکایت از ایرانی داشتند که در آینده‌ای نزدیک تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مهمی را تجربه کرده و می‌توانست به عنوان الگوی پیشرفت در منطقه ظهور کند. اما دشمنان استقلال و ترقی ایران با پدید آوردن فاجعه قحطی در ایران که یک اتفاق اقتصادی بود تمام فرصت‌ها را از میان بردند و در جامعه ایرانی که به دنبال آزادی،

استقلال، روشنفکری، عدالت، تغییرات حاکمیتی و مشروطه‌خواهی و کنترل استبداد و استعمار بود وضعیتی پیش آوردند که مردم هیچ دردی غیر از گرسنگی را نمی‌فهمیدند و هیچ مطالبه‌ای غیر از نان نداشتند.

بررسی فرایند پدید آمدن فاجعه قحطی در ایران و رفتارهای مخرب اشغالگران از عامدانه بودن قحطی با مقاصد و اغراض سیاسی پرده برمی‌دارد؛ کمبود مواد غذایی ایران در پاییز 1917 در حالی آغاز شد که اشغالگران عثمانی در بهار 1917 خاک ایران را ترک کرده بودند، اشغالگران روسی نیز به دنبال انقلاب روسیه، در پاییز ۱۹۱۷ از ایران رفته بودند و انگلیسی‌ها تنها اشغالگر تمام خاک ایران بودند، شواهد تاریخی نشان می‌دهد انگلیسی‌ها از روی عمد و با اهداف از پیش تعیین شده قحطی را بر ایران حاکم کردند؛ آنها با مسدود کردن درآمدهای نفتی ایران، آتش زدن باقی مانده غله شهر مراغه، معدوم کردن تمام ذخیره گندم و جوی شهر میانه و ... در هر کجا که نفوذ داشتند فشارهای اقتصادی را افزایش دادند، حتی شهر رشت که به خاطر مقاومت میرزا کوچک‌خان از دسترس انگلیسی‌ها دور بود و قحطی را لمس نکرده بود پس از شهادت میرزا به اشغال درآمد و غلات و آذوقه اش به باکو فرستاده شد که در نتیجه آن شمال ایران هم دچار قحطی شد. انگلیسی‌ها کار مردم ایران به جایی رساندند که نانواها برای پختن نان، خاک سفید و خاک ارّه را با آرد مخلوط می‌کردند و طبق گزارش‌های تاریخی، مردم برای نجات از مرگ به آدمخواری و خوردن حیوانات مردار روی آورده بودند و در نهایت قریب به نصف جمعیت ایران از گرسنگی هلاک شدند، در حالی که در دو سوی ایران (هند و بین النهرین)، غله کافی وجود داشت ولی انگلیسی‌ها نه تنها اجازه ورود غله به ایران را ندادند بلکه با خرید مواد غذایی ایرانیان و از بین بردن آن در موارد متعدد به گرسنگی و مرگ آنان دامن زدند (مجد، ۱۳۸۶: ۲۱ تا ۱۸۳).

این فاجعه اقتصادی علاوه بر آسیب‌های جانی و مالی که در ایران بر جای گذاشت تزلزل سیاسی و فروپاشی استقلال کشور را نیز موجب شد که جفرسون کفری^۴ کاردار وقت آمریکا در ایران به کشور متبوعش گزارش داد کار ایران به جایی رسیده که دیگر قادر نیست بدون کمک خارجی سر پا بماند (مجد، ۱۳۸۶: ۱۷۴).

⁴. Caffery Jefferson

مشکلات قحطی چنان مردم ایران را مستاصل کرده بود که حرکت‌های آزادی‌خواهی رو به خاموشی گذاشتند و انگلیسی‌ها از فرصت انزوای مردم استفاده کرده و عوامل خود را به قدرت رساندند؛ ابتدا یک کمسیون مالی مشترک از یک نفر روسی، یک انگلیسی و یک ایرانی ایجاد شد که اختیارات مالی کشور را عهده‌دار شد و سفیر انگلیس در انعکاس نگرش رجال مشروطه‌خواه ایران تصریح کرد که آنها هراس دارند قرار دادن کنترل منابع مالی دولتشان در دست یک قدرت خارجی مهاجم تیر خلاص به استقلال ایران باشد (مجد، ۱۳۸۶: ۱۷۵). در نهایت همین نگرانی‌ها محقق شد و انگلیسی‌ها در ماه اوت ۱۹۱۸ بدون هیچ مانع و مقاومت خاصی دولت وابسته و ثوق-الدوله را روی کار آوردند که ساوثرده^۵ کنسول ویژه آمریکا در توصیفش گزارش داد که کنترل کابینه ایران در اختیار انگلیسی‌هاست (مجد، ۱۳۸۶: ۱۹۶ تا ۲۰۶). انگلیسی‌ها در گام بعدی رضاخان را روی کار آورده و سلسله پهلوی را تأسیس کردند که مهمترین تغییر سیاسی در راستای مطامع انگلیس بود و زمینه آن در دوران قحطی فراهم شده بود، مورخان تصریح می‌کنند که در شرایط سخت اقتصادی که مردم گرفتار مشکلات قحطی بودند ملاقات‌های مکرر میان رضاخان و فرمانده نیروهای انگلیسی در ایران اتفاق می‌افتاد که هماهنگی‌ها برای اجرای کودتای ۱۲۹۹ و استقرار تدریجی سلطنت پهلوی را سبب شد (فردوست، ۱۳۸۱: ۸۲/۱ و کدی، ۱۳۷۵: ۱۳۷ و ۱۳۸). بر این اساس انگلیسی‌ها توانستند با ایجاد فاجعه اقتصادی مردم ایران را به گونه‌ای مستأصل کنند که تمام حرکات آزادی خواهانه و ضد استعماری ایرانیان در دوران قاجار که به شیوه‌های نظامی، فرهنگی و اجتماعی پیش می‌رفت به بی تفاوتی منجر شده و جای خود را به رضایت بر حکومت استعماری و استبدادی پهلوی بدهد.

تأثیر ضعف اقتصادی بر جنبش‌های ضد استعماری دوران پهلوی

مهمترین جنبش ضد استعماری و استقلال طلبانه دوران پهلوی، نهضت ملی کردن صنعت نفت ایران بود که می‌توانست سرآغاز تحولات اساسی در کشور باشد، اما استعمارگران با فشارهای اقتصادی توانستند اقتدار و

⁵ Addison E. Southard

استقلال سیاسی به دست آمده را از بین برده و با شکست نهضت مردمی مجدداً بر کشور حاکم شوند؛ فرایند فشار اقتصادی و فروپاشی سیاسی بدین ترتیب بود که دولت شوروی پس از پدید آمدن مشکلات مالی ناشی از قطع صدور نفت، علاوه بر این که خرید نفت از ایران را متوقف کرد یازده تَن طلای ایران در بانک‌های آن کشور را هم بلوکه کرد (ملکوتیان، ۱۳۹۰: ۹۷). حزب توده نیز که تمایل به سقوط دکتر مصدق داشت از ضعف مالی دولت استفاده کرده و با بهره‌گیری از فرصت تاخیر حقوق کارگران به اعتراضات کارگری دامن زد و حتی در اصفهان، کاشان، همدان و خوزستان کارخانه‌ها را به تعطیلی کشاند، حزب توده حتی در مقابل آیت‌الله کاشانی که خواستار بقای مصدق بود و برای رفع مشکل مالی دولت، مردم را به خرید اوراق قرضه دولتی تشویق می‌کرد خرید اوراق را خیانت می‌دانست و به کلیه اعضای خود دستور داد از خرید اوراق قرضه ملی خودداری کنند (طاهر احمدی، ۱۳۸۲: ۵۷ تا ۶۱). رییس جمهور آمریکا نیز که وعده حمایت مالی از دولت دکتر مصدق داده بود در نامه تاریخ ۱۲ تیر ماه ۱۳۳۲ هر گونه کمک مالی آمریکا به ایران را به توافق ایران با انگلستان در زمینه پرداخت غرامت مشروط کرد؛ به خاطر کارشکنی‌های دشمنان خارجی و داخلی، اوضاع اقتصادی چنان ناگوار شد که الهیار صالح سفیر وقت ایران در آمریکا نقل می‌کند به ملاقات آیزنهاور رییس جمهور آمریکا رفته و با نهایت تأثر و گریه از زجر ملت ایران یاد کردم و از موضع آمریکا انتقاد کردم ولی او گفت ما در مورد ایران تابع نظرات انگلیسی‌ها هستیم (بزرگمهر، ۱۳۶۷: ۱۴۵). در اثر ضعف اقتصادی دولت، به تدریج بر دامنه نارضایتی‌ها افزوده شد و دولت دکتر مصدق که تبلور امید ایرانیان به آینده‌ای مستقل و بدون استعمار بود در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با کودتای آمریکایی سرنگون شد. پس از سقوط دولت دکتر مصدق، استعمار با قدرت بیشتر به کشور بازگشت؛ ایران به خاطر اقدام علیه منافع انگلیس در جریان نهضت ملی کردن صنعت نفت، به پرداخت ۲۵ میلیون لیره غرامت محکوم شد و کنسرسیوم‌های آمریکایی-اروپایی با شرایط به مراتب استعماری تر از قبل بر نفت ایران تسلط یافتند و آمریکاییان با بهره‌گیری از وابستگی مالی دولت پهلوی آن را به ابزاری برای تسلط بر منطقه تبدیل کردند (مدنی، ۱۳۵۸: ۵۴۶/۱). این رویه و سیاست استعماری که مبنایش ایجاد مشکل اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه است بعدها مورد تأیید وزیر دادگستری وقت آمریکا نیز قرار گرفت که در پاسخ به

سوال از محور اصلی سیاست خارجی آمریکا در برخورد با دیگر کشورها پاسخ داد: «... هسته سیاست خارجی ما این بوده که مانع خودکفایی و استقلال دولتها و مردم در زمینه مواد غذایی شویم. کشوری که نتواند برای مردم غذا تولید کند هرگز مستقل و آزاد نخواهد بود. ایران نمونه خوبی در این مورد است که برای ۲۵ سال نگهبان و حافظ منافع ما در یکی از مهم‌ترین مناطق جهان یعنی خاور میانه بود» (هفته نامه صبح صادق، ۳/۳/ ۱۳۸۱: ۷).

تداوم دشمنی‌های اقتصادی استعمار علیه انقلاب اسلامی

شواهد و تجارب نشان می‌دهد دشمنان جمهوری اسلامی به هدفی کمتر از شکست کامل آن قانع نیستند و در این راستا از هیچ گونه تلاش سیاسی، نظامی، رسانه‌ای و ... فروگذاری نکرده‌اند. آنها با تکیه بر تجارب فراوان تاریخی که در شکست نهضت‌های مردمی و براندازی دولتهای مستقل با فشارهای اقتصادی دارند از روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، فشارها و مبارزه اقتصادی با آن را آغاز کردند که به واکنش امام خمینی(ره) در دیدارش با فرستادگان پاپ در ۱۹ آبان ۱۳۵۸ منجر شد، امام(ره) در این دیدار ضمن نکوهش دشمنی اقتصادی غربی‌ها به اهمیت بی‌نیازی از دشمن اشاره کرده و فرمود: «... ما یک ملتی هستیم که به این گرسنگی‌ها عادت کرده‌ایم... اگر بنا باشد که آنها محاصره اقتصادی بکنند... ما همان جو و گندمی که خودمان در مملکت خودمان کشت می‌کنیم اقتصاد می‌کنیم... ما را از این چیزها اینها نترسانند، اگر امر دایر بشود بین این که آبروی ما حفظ بشود یا شکممان سیر بشود، ما ترجیح می‌دهیم که آبرویمان حفظ بشود، شکممان گرسنه باشد» (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۱: ۳۹/۱۱). دشمنان انقلاب اسلامی در طول بیش از چهار دهه گذشته، در کنار انواع دشمنی‌هایی که با انقلاب داشته‌اند هیچ وقت از دشمنی اقتصادی دست برداشته‌اند و در این مسیر تا جایی پیش رفته‌اند که جان بولتون معاون رییس جمهور آمریکا در سخنرانی خود در سال ۱۳۹۶ به صراحت از تابستان داغ پیش روی ایران خبر داده و تصریح کرد جمهوری اسلامی پس از بازگشت تحریم‌های آمریکا تابستان داغی خواهد داشت و ۴۰ سالگی‌اش را نخواهد دید و پس از چند ماه نیز رییس جمهور آمریکا در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۹۷ با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی، تحریم‌ها را تشدید کرد که مقام معظم رهبری درباره‌اش روشنگری کرده و در

تبیین اهداف سیاسی تحریم‌های اقتصادی فرمودند: هدف کوتاه‌مدت آنها این است که مردم را به ستوه بیاورند و آنقدر فشار بیاورند... تا مردم در مقابل نظام، حکومت و دولت بایستند و در بلند مدت می‌خواهند کشور را ورشکسته کند و قطع ارتباط جمهوری اسلامی با نیروهای مقاومت منطقه نیز یکی دیگر از اهدافشان است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱۰/۵).

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به منظور تبیین پشتوانه تاریخی ایده توانمندسازی جمهوری اسلامی در عرصه اقتصاد بخشی از دشمنی‌های اقتصادی و تاثیر آن در ناکامی نهضت‌ها و جنبش‌های متعالی را مورد توجه قرار داده و در نهایت نتیجه می‌گیرد که استعمارگران و طاغوت‌ها اهداف سیاسی خود را در وراء فشارها و تحریم‌های اقتصادی دنبال می‌کنند و با ایجاد نیازهای اقتصادی زمینه را برای تضعیف و حتی تغییر دولت‌ها و نظام‌های سیاسی رقیب فراهم می‌کنند. بر این اساس موضوع توانمندی اقتصادی برای هر نهضت یا انقلاب ضد استکباری از اولویت برخوردار است و امروزه برای این که جمهوری اسلامی در تقابل با دشمنان دچار شکست و آسیب اقتصادی نشود بایستی اقتصاد را یکی از اولویت‌های مهم خود قرار دهد. در همین راستا می‌باشد که رهبر معظم انقلاب با تاکید بر نقش محوری اقتصاد، اقتصاد قوی را نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور و در مقابل اقتصاد ضعیف را نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ، سلطه و دخالت دشمنان دانستند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) و با پیشنهاد برنامه‌ریزی برای اقتصاد مقاومتی و تشویق مردم و مدیران به جهاد اقتصادی، پرداختن به اقتصاد کشور و تقویت آن را نه یک امر مادی بلکه هدفی متعالی و در راستای توانمندسازی نظام اسلامی قرار داده‌اند. بر همین اساس برای تبیین این سیاست‌ها که ممکن است علاوه بر تجارب تاریخی که در این مختصر بحث شد دلایل قوی‌تری در منابع دینی یا نظریه‌های سیاسی هم داشته باشد شایسته است پژوهشگران بیشتری آن را مورد توجه قرار داده و از زوایای متعدد بررسی کنند. امید است با ورود پژوهشگران،

عرصه‌ها و افق‌های جدیدی از این مباحث مورد بررسی قرار گرفته و گام‌های بیشتری برای تقویت حکومت‌های الهی و رفع سلطه بیگانگان از جوامع مسلمانان برداشته شود.

منابع

- [۱]. قرآن کریم؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند
- [۲]. احمدی، حمید و منشادی، مصطفی (۱۳۸۷)، پیوستار تاریخی جنبش‌های سیاسی اجتماعی ایران، فصلنامه سیاست، شماره ۳۸، ص ۳۹ الی ۵۴.
- [۳]. بزرگمهر، جلیل (۱۳۶۷)، دکتر محمد مصدق و رسیدگی فرجامی در دیوان کشور، تهران، شرکت سهامی انتشار
- [۴]. بهشتی، سیدمحمدحسین (بی‌تا)، نشریه جهاد
- [۵]. جان فوران (۱۳۷۸)، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا، چاپ سوم
- [۶]. خامنه‌ای، سیدعلی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>، تاریخ مراجعه، مرداد ۱۴۰۰
- [۷]. خمینی (ره)، سید روح الله (۱۳۸۱)، صحیفه نور، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- [۸]. ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۹۵)، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم
- [۹]. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۱۷)، اقتصادنا، قم، مکتب الاعلام الاسلامی
- [۱۰]. طاهر احمدی، محمود (۱۳۸۲)، مصدق، کارگران و حزب توده‌ف گنجینه اسناد، بهار و تابستان ۱۳۸۲، شماره ۴۹ و ۵۰، ص ۵۶ تا ۶۵
- [۱۱]. فردوست، حسین (۱۳۸۱) ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ چهاردهم
- [۱۲]. کدی، نیکی آر (۱۳۷۵)، ریشه‌های انقلاب اسلامی در ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم
- [۱۳]. مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۵۸)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- [۱۴]. مرکز المیری، احمد و همکاران (۱۳۹۸)، جنبش‌های اجتماعی توانمندسازی حقوقی زنان در ایران معاصر، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره ۹، ص ۱۱۷ الی ۱۴۵
- [۱۵]. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۰)، زمینه‌ها، عوامل و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، رهیافت فرهنگی، تهران. موسسه انتشارات و چاپ
- [۱۶]. آرشیو هفته نامه صبح صادق، ۱۳۸۱